

شاخصهای ارزیابی و نقد کتابهای درسی دانشگاهی

دکتر احمد رضی*
ahmad.razi@yahoo.com

چکیده

کتاب درسی رسمی‌ترین رسانه در زمینه ارتباط علمی است که به‌رغم گسترش استفاده از وسایل جدید اطلاع‌رسانی، نقش اساسی و مهمی در یادگیری برای همه سطوح دارد. برخورداری از بهره‌وری در تألیف کتابهای درسی نیازمند ارزیابی و نقد مستمر آنها و تلاش برای از بین بردن کاستیهاست.

در این مقاله شاخصهای ارزیابی و نقد کتاب درسی دانشگاهی از پنج جنبه بررسی می‌شود که عبارت‌اند از: شکل ظاهری، محتوا، ساختار، زبان و روش. شاخصهایی که کمیت تأثیر آنها در ارزشیابی متون درسی دانشگاهی باید با در نظر گرفتن زمینه‌های عاطفی، شناختی و مهارتی دانشجویان و با توجه به میزان آگاهیها و آمادگی ذهنی و همچنین ویژگیهای شخصیتی و روانی و علایق آنان مشخص شود.

کلید واژه

برنامه‌ریزی درسی، کتاب درسی، ارزشیابی متون، آموزش عالی.

مقدمه

کتاب درسی به‌رغم تنوع و تکثر وسایل جدید آموزشی و اطلاع‌رسانی، از مهم‌ترین ابزار آموزشی در همه سطوح به‌شمار می‌رود و در تحقق اهداف آموزشی و اطلاع‌رسانی نقش اساسی دارد. کتاب درسی دانشگاهها وسیله‌ای است که استادان صاحب‌نظر جهت یاددهی آن را به کار می‌گیرند و دانشجویان (آنانی که خصوصیات روحی و روانی ویژه‌ای دارند،

سخن سمت، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۸، ص ۲۱-۳۰

جستجوگری را دوست دارند و به نقد اندیشه‌ها، رویکردها و روشها علاقه نشان می‌دهند) جهت یادگیری و انجام تحقیقات علمی از آن بهره می‌برند. برای رسیدن به بهره‌وری مطلوب در تألیف کتابهای درسی و افزایش کارایی و اثربخشی آنها لازم است کتابهای درسی موجود با استفاده از شیوه‌های درست نقد و ارزیابی شوند و برای تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف، تلاشهای مؤثر و نتیجه‌بخش انجام شود. کتاب درسی دارای ویژگیها و ابعاد گوناگونی است که داوری درباره کیفیت آن مستلزم ارزیابی همه‌جانبه و نقدوبررسی آن از جنبه‌های مختلف است.

در این مقاله شاخصهای ارزیابی و نقد کتاب درسی از نظر شکل ظاهری، ساختار، محتوا، زبان و روش بررسی می‌شود. بدیهی است داوری نهایی درباره یک کتاب درسی براساس برآیند ارزشیابی از همه شاخصها صورت می‌گیرد و میزان امتیاز هر یک از شاخصها با در نظر گرفتن زمینه‌های عاطفی، شناختی و مهارتی مخاطبان و با توجه به میزان آگاهیهای پیشین و آمادگی ذهنی و همچنین ویژگیهای شخصیتی و روانی آنان تعیین می‌شود.

شاخصهای ارزیابی محتوایی

اهداف اصلی هر کتاب درسی از طریق مفاهیم نهفته در محتوای آن تأمین می‌شود. مهم‌ترین بخش نقد هر کتاب، ارزیابی محتوایی آن است که باید متخصصان هر رشته به آن مبادرت ورزند. شاخصهای ارزیابی محتوایی کتاب درسی عبارت است از:

۱. روزآمدی. دانش بشر در رشته‌های مختلف دائماً در حال افزایش و تغییر است. این افزایش و تغییر، ناشی از دستاوردهای جدید و کشفیات تازه علمی یا تغییر در روش و رویکردهاست؛ از این رو کتاب درسی باید تازه‌ترین اطلاعات علمی مربوط به موضوع را دربرداشته باشد و مطالب آن هر چند یک‌بار مورد تجدید نظر قرار گیرد و به‌روز شود.
۲. جامعیت. کتاب درسی در زمینه موضوع مورد نظر خود باید جامع باشد. جامع بودن مطالب کتاب درسی بدین معنا نیست که دارای جایگاهی برای گردآوری هر مطلبی است و به نحوی با موضوع مرتبط است، بلکه بدین معناست که باید با توجه به اهداف کلی و اهداف ویژه و سرفصلهای هر درس سنجیده شود.
۳. مرتبط بودن مطالب کتاب با سایر دروس وابسته. هر درس در مجموعه دروس دانشگاهی با برخی دروس دیگر مرتبط است. بعضی درسها پیش‌نیاز درسی دیگرند، یعنی

در سلسله طولی با دروس دیگر پیوستگی دارند، و بعضی از دروس ارتباط هم‌زمانی با هم دارند، یعنی هم‌زمان در یک دوره درسی ارائه می‌شوند. محتوای کتاب درسی باید آن‌گونه باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته و واحدهای درسی مرتبط را برای دانشجو فراهم کند (ر. ک: متین، ۱۳۸۳، ص ۹۴-۹۵). این امکان می‌تواند از طریق ربط دادن مطالب کتاب درسی با آموخته‌های قبلی و یادآوری اهمیت و کاربرد مطالب آن برای دروس بعد و همچنین طراحی پرسشهایی برای تحقیق و پژوهش دانشجویان فراهم شود.

۴. طرح سؤالات جدید و افقهای تازه. کتاب درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش به خوانندگان باشد، بلکه باید مطالب آن بتواند سؤالات جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افقهای تازه‌ای پیش روی آنان بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنجکاوی و کاوشگری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد (ر. ک: مایرز، ۱۳۷۴).

۵. وجود تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی. گروهی از نویسندگان پرنویس‌اند و با شاخ‌وبرگ دادن مطلب و آوردن شواهد، مثالها و توضیحات بیش از اندازه، بر حجم اطلاعات جنبی می‌افزایند. گروهی دیگر کم‌نویس و اهل ایجاز و خلاصه‌نویسی‌اند و خواننده را بیش از اندازه به تأمل وامی‌دارند، به طوری که در روند مطالعه وقفه ایجاد می‌کنند. حجم اطلاعات اصلی در کتاب درسی باید با حجم اطلاعات جنبی تناسب منطقی داشته باشد و نیز اطلاعات اصلی در کتاب به شیوه‌ای مناسب برای خوانندگان مشخص شود تا آنان بدانند که پیامهای اصلی نویسنده چیست و در خواندن کتاب باید به دنبال چه چیزی باشند.

۶. ظرفیت مطالب کتاب در ایجاد ارتباط با موضوعات میان‌رشته‌ای. زمانی بود که برای هر موضوع و مباحثی نظام و چهارچوب از پیش تعیین شده قائل بودند و این از جهت مبانی، روش و رویکرد غیر قابل تخطی بود. اما امروزه مباحث میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات علمی دارند. این دیدگاه، محصول تعامل بین دو یا چند رشته علمی برای پژوهش درباره مسئله‌ای است و نتیجه آن وحدت‌بخشی به دانشهای متفاوت در عصر کنونی است.

یکی از معیارهای کیفی ارزشیابی کتابهای درسی در دانشگاهها، میزان توجه نویسنده به ظرفیت مطالب کتاب برای پیوند با مباحث سایر رشته‌ها در حل مسائل جدید و یا مواجهه جدید با مسائل است؛ زیرا سیر پیشرفت علوم جدید به ما می‌آموزد که علم

به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بین رشته‌ای است و علوم، علی‌رغم محدود بودن در چهارچوب رشته علمی، بخشی از روایتهای دانشهای دیگرند (رهادوست، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰).

۷. ظرفیت مطالب کتاب در برقراری ارتباط با یادگیرنده و اثرگذاری بر او. بررسیهای عاطفی و روانی دانشجویان نشان می‌دهد در صورتی که آنان با متنی ارتباط مثبت برقرار کنند و آن را بپذیرند، فراگیری و یادگیری‌شان افزایش می‌یابد؛ از این رو، محتوای کتاب درسی باید با توجه به زمینه‌های عاطفی، شناختی و مهارتی دانشجویان ارائه شود. وجود عوامل برانگیزاننده در کنار زمینه‌هایی که دانشجو آگاهیهای پیشین خود را با مطالب کتاب مرتبط کند و همچنین وجود امکاناتی در کتاب که دانشجو بتواند به تحقیق بپردازد و دامنه اطلاعات خود را افزایش دهد از محاسن کتاب درسی شمرده می‌شود.

شاخصهای ارزیابی روشی

هیچ علمی بدون روش نیست و ارزش یافته‌های پژوهشی به میزان درستی روش بستگی دارد که از طریق آن به دست آمده است. از این رو، انتخاب روش درست در تحقیقات علمی، گاهی بیشتر از استعداد و نبوغ پژوهشگر اهمیت دارد؛ زیرا روش، نحوه مواجهه با دانش را تعیین می‌کند و می‌تواند موجب توقف و رکود علم یا سرعت و پیشرفت آن شود (ر. ک: رضی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۰).

مؤلف کتاب درسی نیز باید ضمن انتخاب روش مناسب با موضوع کتاب و پابندی به اصول و ضوابط آن، روش صحیح مواجهه علمی با موضوع کتاب را عملاً به دانشجو بیاموزد. از این رو، یکی از شاخصهای مهم ارزیابی کتاب، ارزیابی از روشی است که در کتاب نویسنده به آن توجه کرده است.

در ارزیابی روشمند بودن کتاب، گاه روش تحقیق یا شیوه مواجهه علمی نویسنده با موضوع کتاب و گاه روش ارائه مطالب آن مورد نظر است.

در نوع اول باید تناسب روش تحقیق نویسنده با موضوع کتاب ارزیابی شده، معلوم شود که آیا نویسنده برای مواجهه با موضوع از روش درستی استفاده کرده است یا نه؟ و آیا نویسنده در استفاده از روش مورد نظر به اصول و ضوابط آن روش پایبند بوده یا در مواردی از آن عدول کرده است؟ این نکته بدین معنا نیست که نویسنده باید به صورت تک روشی با موضوع کتاب مواجه شود، بلکه می‌تواند اگر موضوع کتابش از نوع چندتباری است و ریشه در علوم گوناگون دارد، از روش میان‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای استفاده کند که

در آن صورت، باید اصول و ضوابط تحقیقات میان‌رشته‌ای را رعایت کند (ر. ک: قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۳-۲۵۶).

در نوع دوم، ارزیابی و میزان رعایت بی‌طرفی علمی نویسنده در بررسیها و داوریهایی که در کتاب انجام می‌دهد از شاخصهای ارزیابی روشی است. نویسنده با استفاده کافی از منابع موجود و معرفی آنها می‌تواند در کیفیت ارزیابی کتاب مؤثر باشد. باید مشخص کرد که منابع مورد استفاده چقدر معتبرند؟ و نویسنده در استفاده از منابع چه میزان مقید به رعایت امانت بوده است؟ در ارزیابی روش ارائه مطالب باید به دو سؤال در ارتباط با کتاب و نویسنده آن پاسخ داد:

۱. آیا نویسنده مطالب را طوری، ارائه می‌کند که چگونگی مطالعات بعدی را به دانشجو نشان دهد و زمینه برخورد فعالانه او را فراهم می‌کند یا آنکه ارائه مطالب به شیوه یک‌طرفه است و دانشجو را منفعل تربیت می‌کند؟ برای مثال، آیا نویسنده منابع کمکی را برای مطالعات تکمیلی دانشجو معرفی کرده و یا اصولاً منابع مورد استفاده خود را به‌طور کامل آورده است؟ و آیا در معرفی منابع تنها به منابع چاپی بسنده کرده یا به منابع الکترونیکی (نوارهای صوتی و تصویری، نرم‌افزارها و پایگاههای اینترنتی) نیز توجه داشته است؟

۲. آیا نویسنده برای تقویت و تحکیم یادگیری مطالب کتاب در ذهن دانشجو تدابیری اندیشیده است؟ برای نمونه، از آموزه‌های علوم روان‌شناسی، علوم تربیتی در شیوه ارائه مطالب بهره برده است؟ برای مثال، ویژگیهای شخصیتی و روحی مخاطبان را در نظر گرفته است؟ آیا به یافته‌های رشته‌هایی مانند برنامه‌ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی در شیوه یاددهی و یادگیری توجه داشته است؟ آیا از ابزارهای لازم برای تفهیم مطالب، مانند مثالها، تصاویر، جداول و نمودارها به‌خوبی در کتاب استفاده کرده است؟

شاخصهای ارزیابی زبانی

از مهم‌ترین موارد نقد کتابهای درسی دانشگاهی ارزیابی میزان رعایت زبان علمی در آنهاست. زبان علمی، زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن، معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آنکه بر سر کلمات و تعبیرات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود (سمیعی، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

بنابراین، استفاده از واژگان و تعبیرات کنایی و دوپهلوی زیننده کتابهای درسی نیست. دشواری زبان کتاب درسی می‌تواند درک و فهم مطالب آن را به تأخیر اندازد و دانشجویان را نسبت به خواندن آن بی‌رغبت کند. از این رو، متن کتاب درسی باید از جهت رسا و روان بودن زبان متن سنجیده شود؛ رسا بودن بدین معنا نیست که مانند برخی از کتابها توضیحات فراوان و مثالها و نمونه‌های خسته‌کننده داشته باشد، بلکه رسایی متن دانشگاهی به معنای آن است که محتوای کتاب در عین مفهوم بودن، با انشایی پاکیزه و فراخور مباحث علمی و آراسته به اصطلاحات و تعبیرهای خاص زمینه‌مربوط تهیه و تدوین شود (کاردان، ۱۳۸۲، ص ۱۹). همچنین، روان بودن متن یعنی نشر کتاب از انسجام معنایی برخوردار باشد. این امر مستلزم آن است که ابتدا اجزاء سخن در جای خود نشانده شود و دوم، میان جمله‌های یک بند و نیز میان بندهای یک قسمت پیوند و ارتباط برقرار گردد. عواملی بدین قرار در روانی متن مؤثرند:

۱. استفاده بجا از علائم سجاوندی،
 ۲. استفاده از جملات کوتاه و پرهیز از کاربرد زیاد جمله‌های مرکب،
 ۳. استفاده از بندها و پاراگرافهای کوتاه،
 ۴. پرهیز از به‌کارگیری واژگان و تعبیرات مهجور،
 ۵. استفاده از جملات مثبت به‌جای جملات منفی،
 ۶. به‌کارگیری کمتر از جملات معترضه،
 ۷. پرهیز از به‌کارگیری ساختهای نحوی زبان فارسی کهن،
 ۸. پرهیز از سره‌نویسی،
 ۹. پرهیز از گرت‌برداریهای نادرست از زبان بیگانه و
 ۱۰. آوردن معادلهای لاتین اسامی و اصطلاحات خارجی در زیرنویس یا پی‌نوشت.
- معادل‌سازی برای اصطلاحات تخصصی نیز در کتابهای درسی اهمیت بسیاری دارد که کیفیت آن باید ارزیابی شده، مشخص شود که آیا نویسنده در واژه‌گزینی و معادل‌یابی موفق بوده است یا نه؟ به‌ویژه در اصطلاحات کتابهای علوم انسانی که معمولاً از زمینه‌های فکری و فرهنگی جامعه‌ها سرچشمه می‌گیرد. ارائه تعریفی گویا از معادلهای برگزیده در پایان کتاب می‌تواند از محاسن کتاب شمرده شود.
- از شاخصهای دیگر زبانی، میزان رعایت قواعد نگارشی و کیفیت ساختار دستوری متن است که به نحوی به ویراستار ادبی کتاب نیز مربوط می‌شود. لازم است یکدستی

رسم الخط و میزان رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در نثر کتاب ارزیابی شود.

شاخصهای ارزیابی ساختاری

ساختار کتابهای درسی دانشگاهی با توجه به اهداف آموزشی و نوع درس می تواند متفاوت باشد. داشتن ساختار مناسب، تأثیر زیادی در جذابیت کتاب برای خواننده و نقش مهمی در یادگیری دارد. پژوهشها نشان می دهند آن دسته از کتابهای درسی که سازماندهی بهتری دارند یا سازماندهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می سازند، بر میزان فهمیدن، به خاطر سپردن و به کار بستن اطلاعات آموخته شده می افزایند (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۱۳). برای ارزیابی ساختاری یک کتاب درسی دانشگاهی باید به این سؤالات پاسخهای روشن و مستدل داده شود:

۱. آیا فصلهای کتاب براساس نظام منطقی طبقه بندی شده اند؟ نحوه چینش فصلهای کتاب در ارتباط با موضوع اصلی چگونه است؟ آیا زیرعنوانهای هر فصل با موضوع آن فصل تناسب دارند؟ آیا سازماندهی مطالب بندهای هر قسمت با کل آن قسمت همخوانی دارد و در مجموع مطالب و محتوای کتاب از یکپارچگی و انسجام کافی برخوردار است یا نه؟
۲. آیا اهداف کل کتاب و یا هر فصل برای دانشجو توضیح داده شده است؟ کیفیت مقدمه کتاب چگونه است؟ کتاب علاوه بر مقدمه، پیشگفتار نیز دارد؟ آیا برای کل کتاب در مقدمه و برای هر فصل در ابتدای آن، مباحث مقدماتی آورده شده است تا برای خواندن مطالب کتاب زمینه سازی شود و بر انگیزه دانشجو برای دنبال کردن مباحث بیفزاید؟
۳. آیا در انتهای هر فصل جمع بندی مباحث و نتیجه گیری ارائه شده است؟ آیا پرسشها، تمرینها و فعالیتهایی برای یادگیری و فهم بهتر موضوع در کتاب گنجانده شده است؟ کیفیت آنها چگونه است و چقدر مناسب و راهگشا و مفیدند؟
۴. آیا از تصاویر، اشکال، جداول و نمودارها متناسب با موضوع کتاب استفاده شده است؟ در این صورت، آیا انتخاب و نحوه چینش آنها در امر یادگیری به دانشجو کمک می کند و حس کنجکاوی و جستجو را در او برمی انگیزاند؟
۵. آیا کتاب، فهرست مطالب (به نوعی که نشان دهنده سازماندهی مطالب کتاب باشد) و فهرستهای دیگر، از جمله فهرست منابع یا کتاب شناسی، فهرست راهنما، فهرست جداول و نمودارها و فهرست اصطلاحات و واژگان دشوار دارد؟

شاخصهای ارزیابی شکل ظاهری

کتاب درسی، ابزار کار دانشجویان است و دانشجویان حداقل یک ترم با آن سروکار دارند. جذابیت ظاهری کتاب با توجه به خصوصیات روحی و سلائق دانشجویان از اهمیت خاصی برخوردار است و از جهت برانگیزاندگی در امر یادگیری مؤثر است.

بررسی موارد زیر می‌تواند در ارزیابی شکل ظاهری کتاب مد نظر قرار گیرد:

۱. حجم کتاب نباید غیر متعارف باشد. اگر کتاب خیلی قطور باشد به راحتی نمی‌توان آن را در حالتها و وضعیتهای مختلف مطالعه کرد. باید شمار صفحات متناسب با محتوای کتاب و درس باشد؛ برای کتاب فلسفه یک قطع لازم است و برای تاریخ قطع دیگر. می‌توان گفت برای هر واحد درسی میانگین، حدود یک صد صفحه مناسب است.
۲. باید میان حجم صفحات هر فصل با فصلهای دیگر تناسب وجود داشته باشد؛ چنان نباشد که فصلی ۱۰ صفحه و فصلی دیگر ۴۰ صفحه داشته باشد. طبقه‌بندی درست مطالب و فصل‌بندی منطقی کتاب در ایجاد تناسب میان حجم فصلها مؤثر است.
۳. کیفیت حروف‌نگاری (تایپ) نیز از عوامل جذابیت کتاب است. برای مثال، استفاده از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع حروف، اندازه حروف و رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات علاوه بر آنکه توجه دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند، موجب چشم‌نوازی صفحات کتاب می‌شود.
۴. کیفیت صفحه‌آرایی، به طوری که علاوه بر زیبایی صفحات زمینه‌ساز بهره‌وری کافی برای ارائه مطالب بیشتر باشد. نحوه چینش نمودارها، جداول، اشکال و نقشه‌ها در لابه‌لای مطالب کتاب نقش مهمی در کیفیت صفحه‌آرایی دارد.
- صفحه‌آرایی کتاب شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیک با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل - که همچون اتاقی است - چه در گاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است (انوری، ۱۳۷۷، ص ۸۲).
۵. کیفیت صحافی در کتابهای درسی بسیار مهم است، زیرا کتاب درسی وسیله کار دانشجو است. او هم در دانشگاه و هم در محل سکونت (و در حالتها مختلف) از آن استفاده می‌کند، در این صورت باید طوری صحافی شود که با استفاده زیاد شیرازه آن از هم نپاشد.
۶. نوع کاغذ نیز در کتابهای درسی مهم است. استفاده از کاغذ مرغوب در حدی

که به افزایش بیش از حد قیمت کتاب منجر نشود توصیه می‌شود.

۷. همچنین نوع جلد کتاب از موارد مهم است؛ زیرا جلد کتاب مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب دیدن جلد آن است. کیفیت نوع و جنس جلد کتابهای درسی دانشگاهی و خوش طرح و خوش رنگ بودن جلد آنها - در صورتی که با سادگی طرح همراه باشد - زمینه‌ساز همسویی عاطفی دانشجویان با کتاب و محتوای آن خواهد شد. طراحی جلد کتاب شامل طرح روی جلد، پشت جلد و عطف کتاب می‌شود.

نتیجه‌گیری

کتاب درسی خصوصیات و ویژگیهای متنوع و ابعاد گوناگونی دارد. داوری درباره آن مستلزم ارزیابی همه‌جانبه و نقد و بررسی کتاب از جنبه‌های گوناگون؛ از جمله محتوایی، زبانی، ساختاری و شکل ظاهری است. توفیق نسبی یک کتاب درسی نتیجه حاصل جمع امتیازهایی است که آن کتاب در زمینه‌های مختلف به دست می‌آورد.

با توجه به نقش الگویی کتاب درسی برای دانشجویان و نیز دستیابی به تألیفی همه‌جانبه، بهتر است کتابهای درسی چند مؤلفه باشند؛ یعنی هر کدام از نویسندگان در یکی از گرایشهای مرتبط با موضوع کتاب تخصص داشته باشند و در عین حال از مشاوره کارشناسان رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی و تکنولوژی آموزشی و ویراستاران فنی و ادبی بهره گیرند.

همچنین مناسب است کتابهای درسی پیش از آنکه به صورت گسترده انتشار یابند در شمارگانی محدود چاپ و تدریس شوند تا نقاط ضعف آنها در عمل شناسایی شده، کاستیها برطرف شود.

منابع

- آرمند، محمد (۱۳۸۴)، «ملاحظات در نگارش متون درسی»، سخن سمت، شماره ۱۴، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- انوری، حسن و علی محمد پشت‌دار (۱۳۷۷)، آیین نگارش و ویرایش (۲)، تهران: دانشگاه پیام نور.
- رضی، احمد (۱۳۸۶)، «روش در تحقیقات ادبی ایران»، گوهر گویا، شماره ۱.
- رهادوست، بهار (۱۳۸۲)، «رویکرد بین رشته‌ای و مطالعات ادبی»، زیباشناخت، شماره ۹.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۸)، نگارش و ویرایش، تهران: سمت.

- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۷۶)، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی ایران، ۲ جلد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۲)، دستور خط فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- قراملکی، احد (۱۳۸۳)، اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، قم: حوزه علمیه قم.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۲)، «نقش کتاب دانشگاهی و ویژگیهای آن»، سخن سمت، شماره ۱۰، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- مایرز، چت (۱۳۷۴)، آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایلی، تهران: سمت.
- متین، پیمان (۱۳۸۲)، «کتاب درسی معیار در انگلستان و ویژگیهای آن»، سخن سمت، شماره ۱۳، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».
- ملکی، حسن (۱۳۸۴)، «شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی»، سخن سمت، شماره ۱۵، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی وابسته به «سمت».